

اهمیت نماز گزارى

نکته: آگاه باش که نماز و روزه مخصوص خداوند است؛ و در این کار کوتاهی مکن که چون در امر مخصوص خدا کوتاهی کنی از دیگر کارها هم بازخواهی ماند و بدان که خداوند نماز را با همه دین برابر دانسته است. هر کس که نماز را ترک کرد مثل این است که ترک دین کرده باشد. (۱)

فواید نماز

نکته: نماز چندین فایده دارد:

اول اینکه هر کس نماز بخواند همیشه لباس و تن او پاک است و در هر حالی پاکي بهتر از پليدي است.

فایده دیگر نماز خواندن، این است که از تکبر، خواهی رست؛ زیرا بنیاد نماز بر فروتنی نهاده شده است. چون آرامش طبیعت و سرشت آدمی بر تواضع است، هنگامی که جان خود را به فروتنی عادت دهی، جسم تو نیز بدان عادت می کند.

دیگر اینکه همه خردمندان می دانند که هر کس که می خواهد همانند گروهی شود، باید با آنان دوستی و همنشینی کند؛ پس اگر می خواهی همیشه در آسایش و راحتی و نعمت باشی، دوستی و همنشینی اهل دولت اسلام را طلب کن و بر خلاف این رفتار مکن که بدبخت و زیانکار خواهی شد. (۲)

خشوع در نماز

نکته: روح نماز به خشوع است و حاضر بودن دل اندر تمام نماز؛ زیرا مقصود از نماز، برپای داشتن دل است با حق تعالی و تازه کردن ذکر حق تعالی به طریق ترس از خدای و بزرگداشتن او. (۳)

تمثیل: اگر جسم بی جان به کار آید، نماز بی خشوع و خضوع نیز به کار آید! (۴)

توصیه و حدیث: پرهیز کن از این که به درگاه حق بروی مگر به حالت ذلت و فقر و ترس و احترام. و خالص سازی حرکات را از ریا، و باطنت را از سنگدلی.

رسول اکرم (ص) فرمود: «نماز گزار با خدای خود مناجات می کند. پس حیا کن از کسی که بر باطنت آگاه و به نجوایت عالم است و هیچ چیز تو بر او پوشیده نیست.» (۳)

حکایت: با یزید هر بار که سلام نماز دادی، هر دودست بر روی نهادی. گفتند: این چیست؟ گفت: می ترسم که این نماز من بر روی من باز زنند.

ای عزیز! مردان دین کارها چنین کرده اند و خود را همه وقت در نظر خود و نظر خلق خوار داشته اند. (۶)

به رعونت (۷) سوي نماز مياي
شرم دار و بترس تو ز خدای
از پی جاه و خدمت یزدان
دار پاکیزه جای و جامه و نان
هر چه جز حق، بسوز و غارت کن (۸)
هر چه جز دین از آن طهارت کن
با نیازت به لطف برگیرند
بی نیازت نماز نپذیرند (۹)

ترک کسالت

روایت: روایت کردند از پیغامبر (ص) که چون بانگ نماز بشنیدی زود از جایگاه خود برجستی. پرسیدند: یا رسول الله این چه حال است؟ گفت: «تا از آن کسان نباشم که خدای - عزّ وجلّ- گفته است: «اذا قامو الي الصلوة قاموا کسالي؛ (۱۰) [منافقان] چون به نماز آیند از روی بی میلی و کسالت نماز کنند». (۱۱)

پرهیز از سبک شمردن نماز

توصیه: بر حذر باش از اینکه در نماز سبکی و مسخرگی کنی و رکوع و سجود را ناتمام و ناقص انجام دهی که این کارها موجب هلاک دین و دنیای آدمی است. (۱۲)

اظهار نیاز مندی

حسد و خشم و بخل و شهوت و آز (۱۳)
به خدای ار گذاردت به نماز (۱۴)
تا حسد را ز دل برون نهدی
از عمل های زشت او نرهدی (۱۵)
ندهد سوي حق نماز جواز
چون طهارت نکرده ای به نیاز (۱۶)
با نیاز آي تا بیایي بار
ورنه یابی سُبک طلاق سه بار (۱۷)

اهمیت حضور قلب در نماز

حدیث و توصیه: اما صادق علیه السلام فرمود: «هنگامی که رو به قبله می ایستی از دنیا و آنچه در آن است و از مردم و آنچه میان آنهاست مأیوس باش. و قلبت را از هر آنچه تو را به چیز دیگری غیر از خدا مشغول می سازد رها ساز، و عظمت خداوند بلند مرتبه را بنگر، و متوجه ایستادن در نزد او باش». (۱۸)

ترک همه چیز با گفتن تکبیر

توصیه: در مقابل خدا بر حالت بیم و امید بایست.

پس هنگامی که تکبیر می گویی تمام چیزهایی که بین آسمان ها و زمین است را در مقابل بزرگی و عظمت خدا کوچک بشمار؛ زیرا خدای متعال از قلب بنده آگاه

است و آنگاه که بنده تکبیر می گوید درحالی که قلبش خالی از حقیقت تکبیر است، به انسان می گوید: ای دروغگو آیا به من نیرنگ می زنی! به عزت و جلال سوگند که خلوت و شیرینی ذکر را بر تو حرام می کنم و تو را از نزدیکی به خودم و شادمانی به مناجاتم بی نصیب می گردانم (۱۹)

حدیث رسول (ص) گفت: «نماز چنان کن که کسی را وداع خواهی کرد؛ یعنی بدین نماز، خود را و هوای خود را وداع کن، بلکه هر چه جز حق تعالی است، آن را وداع کن و همگی خود به نماز ده.» (۲۰)

حکایت درویشی غرق در نماز بود، شخصی او را آواز می داد. چون از نماز فارغ شد، آن شخص با تعجب گفت: چندین فریاد که من می کردم تو نمی شنیدی؟ درویش گفت: ای خواجه این عجب نیست که کسی در نماز فریاد یکی نشنود، اما عجب آن است که کسی در نماز فریاد یکی بشنود. (۲۱)

لطیفه واعظی بر بالای منبر شعری بی مزه خواند و برای ترویج آن گفت: این شعر را در اثنای نماز گفته ام. یکی از مجلسیان گفت: شعری که در نماز گفته شده است چنین بی مزه است، نمازی که در وی این شعر گفته شده دیگر چه مزه بوده باشد! (۲۲)

علت حضور قلب نداشتن در نماز

تمثیل: خلق جهان از نماز، بدان بی نصیب مانده اند که دوستی دنیا درون ایشان رخت بنهاده است. دوستی الله می باید که به دل شان افتد:

«والذین امنوا أشدُّ حُباً لله» (۲۳) آنان که اهل ایمانند، کمال محبت و دوستی را مخصوص به خدا می دارند». (۲۴)

نکته آن که بیرون از نماز تن را به رنج ندارد در میان نماز ادب جوید و نیابد. (۲۵)

راه کسب حضور قلب در نماز

نکته: حضور دل اصل است: « لا صَلَوةَ إِلا بِحُضُورِ الْقَلْبِ؛ نماز بدون حضور قلب نماز نیست.»

هر کس در همه عمر یک سجده با حضور به جای آورد، کار او به سامان می رسد و هر که در مدت عمر هر روز هزار رکعت نماز بی حضور بخواند، هیچ کاری نکرده است. حضور قلب، جز با دوستی خدا به دست نمی آید. چنان که معرفت، اصل چندین مقام است، محبت خدا نیز اصل مقامات بسیار است. (۲۶)

توصیه: طریق های دیگر هست که دل حاضر کند: یکی آن است که هر چه دل را مشغول کند، آن چیز لشکر شیطان بود از خود دور کند....

طریق دیگر در حاضر کردن دل، آن است که تصور کند که عبادت همه آسمانیان را درین نماز من جمع کرده اند. اگر چنین کند دل حضور می یابد....

طریقی دیگر آنکه، در وقت به جای آوردن هر رکن و هر شرط از اعمال نماز و اعمال پس از آن، معنی ای فهم کند که آن معنی سبب یاد خدا شود... من باب مثال، چون گفتی «الله اکبر»، معنی آن باشد که خدای از همه چیزها بزرگ تر است، تأمل کن که هیچ چیز در باطن از خدای تعالی بزرگ تر نباشد. و همچنین که در افعال، فهم این معانی کردی در هر ذکر چیزی فهم کن و بدین طریق دل حاضر شود، این شاء الله تعالی. (۲۷)

نکته و توصیه: قبله تن نماز کننده، کعبه است و قبله دل نماز کننده، حضرت حق عز و جل. بنده می باید که به تن روی به سوی کعبه آرد، و به دل به حضرت حق، عز و جل. و درین هر دو، التفات نکند به هیچ چیز تا روی تن از کعبه، و روی دل از حضرت حق برنگردد. (۲۸)

علاج غفلت دل در نماز

توصیه: بدان که غفلت دل اندر نماز از دو سبب باشد: یکی ظاهر بود و یکی از باطن.

اما آنچه ظاهر بود آن باشد که نماز جایی کند که چیزی همی ببند یا همی شنود که دل بدان مشغول همی شود؛ و دل تابع چشم و گوش باشد. و علاج این، آن باشد که نماز جایی کند که هیچ آواز نشنود- و اگر جایی تاریک بود بهتر باشد- یا چشم برهم نهد.

سبب دوم از باطن بود، و آن اندیشه و خاطر پراکنده باشد. و این دشوارتر است؛ و این از دو گونه باشد:

یکی از کاری بود که مدتی دل مشغول دارد. و تدبیر، آن بود که پیش تر، آن کار تمام کند و دل فارغ گرداند، آن گاه نماز کند و برای این رسول (ص) گفت: چون طعام و نماز فراهم رسند، پیش تر طعام بخورید. و همچنین اگر با کسی سخنی دارد باید که پیش تر سخن بگوید و دل از آن اندیشه خالی کند.

دیگر نوع، اندیشه کاری باشد که به یک ساعت تمام نشود، یا خود اندیشه پراکنده باشد که بر دل وی غالب شده است به عادت؛ و علاج این آن بود که دل به معانی ذکر و قرآن که می خواند همی دارد، و معنی آن همی اندیشد تا بدین اندیشه آن را دفع کند؛ و این تسکین دهد اندیشه را، اگر سخت غالب نبود و حرص آن کار، قوی نباشد. اما اگر حرص قوی باشد... مثل وی چون کسی باشد که زیر درختی بنشیند و خواهد که مشغله گنجشکان نشنود، چوبی بگیرد و ایشان را همی راند، و در همان حال باز همی آید. اگر خواهد که برهد، تدبیر آن بود که درخت از اصل برکند، چه، تا درخت باشد، نشیمن گنجشکان باشد. همچنین تا حرص کاری بر دل وی بود، اندیشه پراکنده به ضرورت با وی همی باشد. از این بود که رسول (ص) را جامه ای نیکو آورده بودند به هدیه، و نشانی نیکو داشت، چشم وی بر آن نشان افتاد اندر نماز، چون نماز بگذارد، آن جامه را با صاحب جامه داد و جامه کهنه اندر پوشید. (۲۹)

پی نوشت ها :

- ۱- پند پدر (بازنویسی قابوس نامه)، ص ۱۶
- ۲- همان، صص ۱۶ و ۱۷
- ۳- کیمیای سعادت، ج ۱، ص ۱۶۵
- ۴- نامه های عین القضاة همدانی، ج ۱، صص ۲۵۰-۲۵۱
- ۵- چراغ راه دینداری (بازنویسی مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة)، ص ۶۷
- ۶- سبک سلوک، ص ۱۵۴
- ۷- رعونت: تکبیر
- ۸- بسوزان و از بین ببر.
- ۹- اگر با نیاز پیش آبی تو را به لطف بلند می کنند و مقام می دهند. خلاصه حدیقه (برگزیده حدیقه الحقیقة)، ص ۵۵
- ۱۰- نساء: ۱۴۲.
- ۱۱- گزیده در اخلاق و تصوف، ص ۴۱
- ۱۲- پند پدر (بازنویسی قابوس نامه)، ص ۱۷.
- ۱۳- از: حرص، طمع.
- ۱۴- به خدا سوگند تو را از نماز گزاردن باز می دارد.
- ۱۵- از اعمال ناپسند حسد رهایی نمی یابی.
- ۱۶- چون از سر نیاز نمی کنی، نماز تو را به درگاه خداوند راه نمی دهد.
- ۱۷- و گرنه فوراً سه طلاقه می شوی. خلاصه حدیقه (برگزیده حدیقه الحقیقة)، ص ۵۶
- ۱۸- چراغ راه دینداری (بازنویسی مصباح الشریعة، و مفتاح الحقیقة)، ص ۵۵
- ۱۹- همان، صص ۵۵ و ۵۶
- ۲۰- کیمیای سعادت، ج ۱، ص ۱۶۶
- ۲۱- سبک سلوک، ص ۱۲.
- ۲۲- بازنویسی بهارستان جامی، ص ۱۳۰
- ۲۳- بقره: ۱۶۵.
- ۲۴- نامه های عین القضاة همدانی، ج ۱، ص ۲۵۱
- ۲۵- این برگ های پیر (مرتع الصالحین)، ص ۱۰۹.
- ۲۶- انسان کامل (بازنویسی الانسان الكامل)، ص ۱۲۹
- ۲۷- این برگ های پیر (مرتع الصالحین)، صص ۱۰۶-۱۰۹

۲۸- این برگ های پیر (مرتع الصالحین)، ص ۱۰۴

۲۹- کیمیای سعادت، ج ۱، صص ۱۷۰-۱۷۲.

منبع: گنجینه ش ۸۱